

بد خدا شناسی

(بخش هفتم)

خواندن غیر خدا

کسی که به خیالِ خطای خود نقش مستقلى برای غیر خدا قائل باشد و با قیاس بشری گمان کند در دستگاه الهی همچون دستگاه سلاطین سلسله مراتبی حاکم است و نمى توان مستقیماً با او ارتباط برقرار کرد، طبیعی است که در حوادث روزگار متوسل به واسطه و شفیع گردد و به اصطلاح پارتی تراشی کند. مشرکین معاصر پیامبر چنین تصوراتی داشتند. آنها بر خلاف تصور بیشتر مردم، کاملاً به وجود خدا معتقد بودند، ولی می پنداشتند خدا خالقى است که اداره جهان را به فرشتگان سپرده است و باید برای جلب منفعت یا دفع شر در امور دنیا به آنها متوسل شد و شفاعت آنان را طلب کرد!! در واقع به نقل قرآن، آنها فرشتگان را وسیله ای برای تقرب به خدا تلقی می کردند.

اما چگونه میتوان با فرشتگان که موجودات غیر مادی هستند ارتباط برقرار کرد؟! پاسخش را مشرکین به سادگی با ساختن بت هائی سنگی یا چوبی برای خود تراشیده بودند! ... بت ها نشانه و نماد محسوس و ملموس فرشتگان بودند که می توانستند به آنها متوسل شوند و با تقدیم نذوراتی از قربانی و هدایا شفاعتشان را برای شفای بیماری، نزول باران، رفع گرفتاری و طلب نمایند.

کسی که با فرهنگ قرآن آشنا باشد، به سادگی در می یابد که آیات مربوط به شفاعت و توسل در این کتاب، تماماً در ارتباط با دستگاه فکری مشرکین معاصر پیامبر اسلام بوده است. آنها نه باوری به آخرت داشتند، که شفاعت در آن روز را بخواهند! و نه اعتقادی به امکان ارتباط مستقیم انسان با خدا، که توسل به اشخاص را طلب کنند. تمام تصورشان شفاعت فرشتگان (از طریق نماد بت ها)، آنهم برای منافع " دنیائی " (نه اخروی) بوده است!!

درک امروز ما از توسل و شفاعت، واسطه شدن انسان های بزرگواری برای رفع گرفتاری های دنیا و نجات در آخرت است، که به کلی با زمینه طرح آن در زمان نزول قرآن متفاوت است. باید دید که ما تا چه حد می توانیم از این آیات برای اثبات مسئله شفاعت و توسل با دیدگاه عامیانه (نه قرآنی) امروزی استفاده کنیم؟

این سؤال همواره مطرح است که وقتی آنها حق نداشتند و نمیتوانستند از فرشتگان، غیر از وظایف و نقش‌هایی که خدا بر عهده آنان گذارده است، انتظار امداد و نجاتی داشته باشند، آیا ما می‌توانیم همان انتظارات را از پیامبران یا پیشوایان پاکمان داشته باشیم؟!

توسل ، تقرب و تشفع به فرشتگان

نیاز به موجودی فراتر از خود ، در بیم و امیدهای زندگی ، و پناه بردن به آن در حوادث هولناک و ترس و طمع‌های دنیائی ، از دورترین ادوار تاریخی همواره همراه بنی آدم بوده است . این حس که در کنار حواس یا ابعاد دیگر روح انسانی ، همچون حس قدرت و ثروت ، حس کنجکاوی علمی و شناخت و حس هنرهای متنوع حضور و ظهور یافته است، ریشه در اعماق فطرت و نهاد آدمی داشته ، عشق و پرستش و نیاز به رشد و تعالی را در پرتو موجودی برتر پدید آورده است.

روان‌شناسان و دانشمندان علوم انسانی ، خداپرستی ، دینداری ، اخلاق و همه ارزش‌های معنوی انسان را از آثار این بُعد شگفت‌انگیز روح انسانی می‌دانند و در زمینه انحراف و افراط و غلیان این حس تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند.

انسان‌های اولیه به دلیل نا آگاهی نسبت به نیروهای طبیعت ، حوادث ناگوار را به خشم خدایان و نیروهای ناشناخته‌ای نسبت می‌دادند و به سنگ و چوب و نشانه‌های دیگر پناه می‌بردند . با توسعه و پیشرفت جوامع انسانی، به تدریج ایده‌ها و عناصر ذهنی جانشین بت‌های سنگی شد و خدایان فرضی و فرشتگان خیالی نقش آفرین تصور شدند؛ خدای جنگ، خدای صلح، الهه آب، خاک، آتش، عشق و غیره.

نگاه بشر در این ادوار از نمادهای نزدیک ظاهری به پدیده‌های پنهانی و دورتر تکامل یافت و ستاره و ماه و خورشید مورد پرستش قرار گرفت.

ممکن است تصور شود دوران چند خدائی و مؤثر شناختن نیروهای متعدد در جهان به سر آمده و انسان امروز، اگر به خدائی معتقد باشد ، لااقل او را "واحد" می‌شناسد . صرف‌نظر از مسئله "تثلیث" در مسیحیت و "ثنویت" (دوگانگی) در برخی مذاهب ، به نظر می‌رسد همچنان موضوع "توحید" محور منازعات دنیای امروز و مسئله اصلی انسان مدرن در هزاره سوم باشد.

درست است که از بتِ "ایسم ها" و "ایدئولوژی" های خود ساخته و تئوری های خیالی تا حدودی خلاص شده است، ولی قدرت های سیاسی و اقتصادی جهانی را تعیین کننده سرنوشت جوامع شناختن، "انسان محوری"، "عقلانیت خود بنیاد" و حقوق بشر بدون تکلیف و تعهد را آرمان انسان متعالی تصور کردن، به نوع دیگری، هر چند پیچیده و پر ابهام تر، انحراف از توحید است و نقش مستقل قائل شدن برای مخلوقات و نسبت دادن برخی تصورات و تاثیرات تعیین کننده برای آنهاست.

از آن جمله است سایه خدا دانستن و فره ایزدی شمردن شاهان، ولایت ویژه قائل شدن برای برخی متولیان دینی، تبعیض و تمایز طبقاتی و اصالت دادن به طبقه ای خاص، کشف و کرامات و صفات غیر بشری نسبت دادن به رهبران و امثال این ادعاها که نشانه شرک و دور شدن از مبانی توحیدی است.

بررسی قرآنی

نقطه مشترک همه این انحرافات، نادیده گرفتن نیروی واحد و نسبت دادن توانمندی های تصور شده به خدایان متعدد (ارباب انواع) و قدرت های پراکنده بوده است. برحسب آنچه قرآن از امت های پیشین نقل کرده، اصلی ترین تلاش انبیاء، "توحید" یعنی یکتائی نیروهای مؤثر در جهان هستی و توصیه: "لا تعبدوا الا اله" (جز خدای یکتا به هیچ چیز تعبد و تسلیم نداشته باشید) بوده که در رسالت پیامبر خاتم در شعار: "قولوا لا اله الا اله تفلحوا" (بگوئید معبودی جز خدای یکتا نیست تا رستگار شوید) تبلور یافته است.

اصطلاحی که قرآن برای چنین انحرافات به کار برده است، "تسمیه" یعنی اسم و عنوان و نقش مستقل و من درآوردی!! قائل شدن برای غیر خداست. در زبان فارسی "اسم" را نام ترجمه می کنند. یعنی لفظی که بر چیزی گذاشته می شود تا آنرا از دیگر اشیاء متمایز سازد. اما در فرهنگ قرآن "اسم" مفهومی را که ما از "صفت" مراد می کنیم دارد. "اسماء الهی" یعنی صفات او، نه الفاظ و علامت های بی محتوا و بی مسمی!

پس اسم قائل شدن (تسمیه) بر چیزی، نسبت دادن صفات و قابلیت های ویژه به آن است که در عالم واقع اصلاً وجود ندارد!؟

نسبت دادن نقش های انحصاری آفریدگار به فرشتگان ، پیامبران ، پیشوایان دینی ، قدیسین و زمام داران سیاسی، همان طور که ذکر گردید، پا به پای تاریخ پیش آمده است که قرآن به نمونه هائی از آن به شرح زیر اشاره می کند:

نجم ۲۶ تا ۳۰ - وَكَمْ مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَى

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُومُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَى
وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا....
ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَن اهْتَدَى

چه بسیار فرشتگانی در آسمانها که شفاعتشان (نقش امدادی شان برای ما) به هیچ وجه مؤثر نخواهد بود، مگر پس از آنکه خدا برای کسی که بخواهد و خشنود باشد اجازه دهد (در چارچوب نظامات الهی باشد). کسانی که به آخرت باور ندارند ، فرشتگان را مؤنث می نامند (آنان را دختران خدا می دانند)! هیچ علمی بر این ادعا ندارند، تنها از گمان خود پیروی می کنند، در حالی که گمان برای درک حقیقت کافی نیست...

منتهای درکشان همین است؛ محققاً پروردگار تو به حال کسانی که از راه ما منحرف شده اند آگاه تر است، و نیز به حال راه یافتگان.

یونس ۱۸ - وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَبْتُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

و غیر از خدا چیزهائی را عبادت می کردند که نه ضرری و نه نفعی بر ایشان داشت و می گفتند اینها شفیعان ما نزد خدا هستند؟! بگو: آیا خدا را به چیزی آگاهی می دهید که سراغی از آن در آسمانها و زمین ندارد؟ او منزّه و متعالی است از آنچه شرک می ورزید.

زمر آیات ۳ و ۴ - اَلَا لِلّٰهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ اَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ اِلَّا لِيُقَرِّبُوْنَا اِلَى اللّٰهِ زُلْفٰی اِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِی مَا هُمْ فِیْهِ یَخْتَلِفُوْنَ اِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِیْ مَنْ هُوَ کَاذِبٌ کَفَّارٌ
لَوْ اَرَادَ اللّٰهُ اَنْ یَّتَّخِذَ وَلَدًا لَّا صَطَفٰی مِمَّا یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ سُبْحٰنَهُ هُوَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

آگاه باشید که دینداری باید خالصانه برای خدا باشد . و کسانی که غیر خدا را کارساز خود گرفته اند (استدلالشان این است که) ما فقط به خاطر تقرب به خدا به آنها اظهارتعبد و تسلیم می کنیم!! قطعاً خداوند به خاطر این اختلافشان (از توحید و اخلاص) داوری خواهد کرد؛ محققاً خدا کسی را که (با ادعای باطل) دروغ پردازی کند هدایت نخواهد کرد .
اگر خدا می خواست (فرشتگان را به) فرزندی بگیرد، از میان آفریدگان خویش هر چه می خواست خودش بر می گزید. او منزله از این نسبت هاست، او خدای یگانه چیره بر همه چیز است .

زمر آیات ۴۳ تا ۴۵ - اَمْ اَتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ شُفَعَاءَ قُلْ اُولَٰئِکَ اَوَّلَکَ اَمَّا اَتَّخَذُوا لَآ یَمْلِکُوْنَ شَیْئًا وَلَا یَعْقِلُوْنَ
قُلْ لِلّٰهِ الشَّفَاعَةُ جَمِیْعًا لَّهٗ مُلْکُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ثُمَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ
وَاِذَا ذُکِّرَ اللّٰهُ وَحْدَهُ اشْمَاَزَتْ قُلُوبُ الَّذِیْنَ لَا یُؤْمِنُوْنَ بِالْآخِرَةِ وَاِذَا ذُکِّرَ الَّذِیْنَ مِنْ دُونِهِ اِذَا هُمْ یَسْتَبْشِرُوْنَ

آیا (درست است که) به غیر خدا شفیع خود گرفته اند؟ بگو: حتی اگر توان و درکی هم (برای انجام کار شما) نداشته باشند (آیا باز هم از آنها شفاعت طلب می کنید؟
بگو: شفاعت به تمامی در اختیار خداست (زیرا) حاکمیت آسمانها و زمین منحصرأ از آن اوست و نهایتاً به سوی او بازگردانده می شوید.
هنگامی که یکتائی خدا (در شفاعت و امور دیگر) مطرح می شود، دلهای کسانی که به آخرت باور ندارد بیزار و فراری می شود و چون از غیر خدا یاد شود، بناگاه شادمان می گردند!!

احقاف آیه ۲۸ - فَلَوْلَا نَصْرُهُمْ الَّذِیْنَ اَتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِکَ اِفْکُهُمْ وَمَا کَانُوْا یَفْقَرُوْنَ

چرا کسانی که به جای خدا، برای تقرّب (وسیله برآورده شدن حاجات) معبود خود گرفتند، (هنگام مصیبت) یاریشان نکردند؟ این چنین دستشان به جائی نرسید و همین سرانجام دروغ و بافته هایشان بود.

سبا ۲۱ و ۲۲ - قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظَهِيرٍ
وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ

بگو: کسانی را که به جای خدا (حاجت دهنده) تصور کرده اید! بخوانید؛ آنها به اندازه ذره ای، نه در آسمانها و نه در زمین مالکیتی ندارند، (نه تنها سهمی ندارند، بلکه) مشارکتی هم در اداره آن دو ندارند و اصلاً هیچ پشتیبانی و حمایتی هم از آنها برای خدا وجود ندارد.
شفاعت (امداد غیبی ملائک) در نظام الهی جز برای کسی که خدا برای او اذن داده باشد (در مسیر قوانین او باشد) فایده ای ندارد

زخرف ۸۶ - وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

کسانی که مردم آنها را (برای حاجت طلبی) می خوانند، قادر به هیچ شفاعتی نیستند. فقط کسانی که آگاهانه به حق گواهی می دهند (مستقیماً مورد حمایت خدا خواهند بود).

بی تاثیر بودن خواندن غیر خدا

فاطر آیات ۱۳ و ۱۴ - ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ
إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ

.... این است خدا، پروردگار شما که فرمانروائی خاص اوست؛ و کسانی که به جای او می خوانید، کمترین اختیاری ندارند .

اگر (به حاجت دهی) بخوانیدشان، نمی شنوند؛ و به فرض اینکه بشنوند، پاسخ شما را نمی دهند؛ و روز قیامت این شرک شما را انکار می کنند (اظهار باطل بودن تصور شما را می کنند)! و هیچ کس همچون خدای آگاه تو را (از حقیقت امور) با خبر نخواهد کرد (فقط به سخن خدا گوش دل بسپار و از آداب شرک آمیز پرهیز کن).

احقاف ۵ - وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ

به راستی، کیست گمراه تر از آنکه به جای خدا کسانی را (برای حاجات خود) می خواند که (نه تنها حالا، بلکه) تا روز قیامت هم پاسخ او را نمی دهند و اساساً از درخواستشان بی خبرند!!

اسراء ۵۶ و ۵۷ - قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا

بگو کسانی را که به جای خدا (معبود خود) تصور کرده اید (برای برآوردن حاجات خود) بخوانید، آنها نه میتوانند گرفتاری شما را برطرف سازند و نه تغییر وضعی ایجاد کنند.

کسانی که (برای ادای حاجات خود) می خوانید، خود در طلب وسیله ای بسوی پروردگارشان هستند تا (در مسابقه خداپرستی معلوم شود) کدامیک مقرب ترند. آنها امیدوار به رحمت خدا و ترسان از عذاب او هستند (شما چرا بجای خدا به آنها پناه می برید)؟ قطعاً عذاب پروردگار حذرکردنی است.

رعد ۱۴ - لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

دعای بحق (که اجابت می شود) منحصر به خواندن اوست؛ و کسانی که غیر از خدا را می خوانند، آن معبودان هیچ اجابتی برای آنها نمی کنند، مگر همچون کسی که دست خویش به سوی آبی دراز می کند تا به دهانش برساند، در حالی که هرگز نخواهد رسید (زیرا سراب است، نه آب)؛ و خواندن نا سپاسان جز به پوچی نمی رسد.

حج ۷۳ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمْ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ

ای مردم، مثلی زده شده، بدان گوش فرادارید: کسانی که به جای خدا (برای حاجاتتان) می خوانیدشان، هرگز بر آفرینش مگسی هم قادر نیستند، هرچند همگی همدست شوند؛ و اگر مگس چیزی از آنها بردارد، بر بازگرفتنش قدرتی نخواهند داشت؛ طلب کننده و مطلوب هر دو ضعیف اند.

بی تاثیر بودن خواندن غیر خدا

مریم ۸۱ و ۸۲ - وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا
كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

به جای خدا معبودهائی برگزیدند تا (تکیه بر قدرت و اعتبار آنها) مایه عزتشان گردد!
هرگز (چنین نخواهد شد)! آنها به زودی منکر چنین خواندن هائی خواهند شد و بر ضدشان موضع خواهند گرفت.

فاطر آیات ۱۳ و ۱۴ - وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ.... وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ

.... و کسانی که به جای او می خوانید، و روز قیامت (مؤثر بودن) بندگی شما (نسبت به خودشان) را انکار می کنند (اظهار باطل بودن تصور شما را می کنند)! و هیچ کس همچون خدای آگاه تو را (از حقیقت امور) با خبر نخواهد کرد (فقط به سخن خدا گوش دل بسپار و از آداب شرک آمیز پرهیز کن).

یونس ۲۸ و ۲۹ - وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَائِكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ

و (بترسید از) روزی که آنها را (در قیامت) گرد آوریم، آنگاه به شرک ورزان خطاب کنیم: شما و

معبودهایتان به جای خود بایستید (تا به کارنامه تان رسیدگی شود)؛ آنگاه میانشان جدائی افکنیم و معبودانشان گویند: شما (درحقیقت) بندگی ما را نمی کردید (منافع خود را در بندگی ما می دیدید).
و خدا بعنوان گواه میان ما و شما کافی است، برآستی ما در مورد بندگی شما (نسبت به خود) بکلی بی خبر بودیم.

حذر از تعبّد نسبت به علمای منحرف دینی

آل عمران ۷۹ و ۸۰ - مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّائِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

هیچ بشری که خدا به او کتاب و حکمت و نبوت بخشیده باشد، سزاوار نیست که به مردم بگوید: بنده من باشید نه بنده خدا. بلکه (حق چنین است که بگوید) با آموختن کتاب الهی و درس (دین) گرفتن عالم ربانی باشید.

خدا هرگز به شما فرمان نداده فرشتگان و پیامبران را ارباب بگیرید، آیا پس از آنکه به اسلام گرویده اید، شما را به کفر دعوت می کند!؟

آیات فوق هرگونه شفاعت و توسل غیر توحیدی را، که در میان توده های بی خبر مردم برای حاجت طلبی های مادی رایج است، نفی میکند، اما "شفاعت" به معنای پیوستن به جبهه پیامبران و امامان و پیرو و همراه آنان در راه خدا شدن، و «توسل» به معنای وسیله گرفتن آنان برای شناخت و بندگی خدا و عمل خالصانه به درگاهش، البته کاری بس شایسته و موجب تقرب به خدا می باشد. مشکل اساسی در این است که بسیاری از ناآگاهان از مقدسات دینی صرفاً برای حاجات دنیائی خود استفاده می کنند، در حقیقت بجای آنکه خود را خرج اهداف الهی آنان بکنند، آنها را خرج اهداف مادی دنیائی خود می کنند!؟